

۱۱. نگاه که بیاید خنده او چه حیرنی با او میخشد که بنظر
شده ۱۶۰. برای جبهی استماری روی زمین
په برینه آورنده خلاص و جنت است ۱۷۰. و
لیه استسکاران با خود بیاورد و... صفحه ۱۳

سینه مرزبانان

ترجمه: مرتضی فهمیم کرمانی

هو العزيز
عبدالله مولائي
A - 11

انجيل برنابا

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

ترجمه مرتضیٰ فہیم کرمانی

۲۲۹,۹۳.۵ نا

۱۳۵۷

۲۵

کتابخانه
شماره ثبت
۱۱-۱

کورد

۸۳۹۱

۷۲۴۳۷۲

کتابخانه عمومی سینیه ارشاد
۱۳۵۱



کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

این کتاب با اجازه وزارت فرهنگ و هنر در چاپخانه

بیگ ایران بچاپ رسید

حق طبع برای مترجم محفوظ است

مقاله ای که از نظر خوانندگان عزیز میگذرد
 بقلم توانای حضرت آیت الله آقای سید محمد ود طالقانی
 دامت برکاته است که با تحقیقات جالبی که فرموده اند
 هویت کتاب و «برنابا» را کاملاً روشن فرموده و
 بدینترتیب بر ارزش کتاب افزوده شده این خود
 هزیتی است که سایر چاپها فاقد آنند .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي نزل الكتاب بالحق مصدقاً لما بين يديه من التوراة
 والانجيل . والصلوة على الرسول الامين وآله الطاهرين .

در تاریخ مسیحیت وجود شخصی را بنام برنابا «فرزند وعظ» که از نخستین
 داعیان و مبشرین به تعالیم مسیح (ع) بوده کسی انکار ندارد .

و نیز از ماخذ مسیحیت چنین برمی آید که کلمه «انجیل» بشارت
 به تعالیم و بشاراتی گفته میشود که شاگردان مسیح از آن حضرت دریافت نموده
 بودند یا دیگران از شاگردان . این تعالیم که متضمن تاریخ هم بود در آغاز
 ظهور مسیحیت از زبان پی بذهنی و از اذهان به زبانها نقل میشد زیرا به یقین نوشتن
 و خواندن در آن زمان چنان گسترش نداشت که تا همه طبقات پائین را که بیشتر
 شاگردان مسیح از آنها بودند فرا گیرد یا (بنوشته فلوی د فیلسون در کلمه عهد جدید
 ص ۱۳) شیوه نوشتن در میان یهودیان باستان معمول نبوده است . بنا بر این
 نوشتن و تدوین انجیل سالها پس از اشاعه مسیحیت و تأسیس کلیساهای مسیحی
 انجام شده است .

اگر این اصول را بپذیریم این نتیجه قطعی است که رسولان و معلمین
 نخستین که برنابا یکی از آنها بوده اناجیلی (تعالیم و بشاراتی) داشتند که در
 اصول مشترک بوده .

پس خواه ناخواه بحث در باره این انجیل باین برمیگردد که آیا این انجیل مکتوب و یافت شده، مطابق همان انجیل ذهنی و لفظی برنا با بوده یا نه؟. بنظر اینجانب درباره انجیل (همه مطالب آن) دلیل یقین آوری نه برای اثبات داریم و نه نفی. آنچه تا کنون از هر دو طرف گفته شده شواهد و قرائنی است که برای رهنمای بواقع کافی نیست.

تاریخ پیدایش این انجیل باختصار چنین است: در سال ۱۷۰۹ میلادی نسخه‌ای از آن به زبان ایتالیائی بوسیله «کرمر» مستشار پادشاه پروس در یکی از کتابخانه‌های آمستردام کشف شد. پس از چند سال بکتابخانه دربار سلطنتی وین منتقل گشت. در اوائل قرن ۱۸ نسخه دیگری به زبان اسپانیائی بدست آمد این نسخه دست بدست می‌گشت تا بدست مستشرق معروف «ژرژسایل» رسید و بوسیله دکتر «منکموس» به زبان انگلیسی ترجمه شد. اما اینکه اصل این دو نسخه ایتالیائی و اسپانیائی از چه اصلی و نویسنده آن که بوده یکسر مجهول است و تا کنون پس از این دو، نسخه دیگری بدست نیامده تا نظری را تأیید نماید! دکتر خلیل سعادت (مسیحی محقق) به دنبال بحثهای مفصل دیگران و قرائن و شواهد خود ترجیح داده است که اصل آن عربی و نویسنده آن در اصل یهودی اندلسی بوده که سپس مسیحی آنگاه مسلمان شده است؟! آقای دکتر سعادت از این جهت برای یافتن و نشان دادن چنین نویسنده توانا و مطلق خود را ناچار دیده بگوید که این کتاب بیش از تحقیقات اخلاقی و تربیتی حکیمان و مستدل مشتمل مطالب بسیاری از کتاب عهد قدیم و جدید دیگر منابع یهودیت و مسیحیت و اسلام است.

راستی چنین نویسنده‌ای باید از نوابغ کم مانند جهان باشد!! زیرا با آنکه مدارک و کتب ادیان سه گانه در آن زمان در دسترس همه نبوده این شخص

۱- نویسنده توانا آقای جلال آل احمد در کتاب مجموعه مقالات «زن زیادی» نسخه‌ای از انجیل برنا بار را سراغ داده که نزد کشیش دوستش دیده و ناشر را برای اینکه ناشر آجر نشود کتمان نموده است.

تحت عنوان «رساله پولس رسول به کاتبان» میگوید: «راقم این سطور... یک نسخه خطی از انجیل برنا با بزبان مقدس سریانی برخوردار که در جواشی صفحات اول تا هفتم آن ایضا بهمین زبان مقدس رساله ما نحن فیہ مرقوم رفته است»

اگر این آقای کشیش بزرگوار بخود جرأت دهد و این نسخه را بنمایاند تأثیر بسزائی در روشن نمودن اصل انجیل برنا با دارد و چون بزبان سریانی است باید در غیر از نسخه‌های ایتالیائی و اسپانیائی باشد یا از اصل قدیمتری استنساخ شده.

مدرستی که بمقیاس حساب عمرش باید کوتاه باشد زبانهای مختلف آنها را آموخته و با آنها کاملاً اطلاع یافته و تغییر مذهب داده و در هر زمان خود را با محیطی تطبیق نموده چنین کتابی را تألیف نموده است !!

این یهودی مسیحی نومسلمان با کوشش فراوان و جمع وجود کردن و نوشتن چنین کتابی چه مقصودی داشته است؟ لابد مقصودش تخریب دیگرانانجیل و تأیید اسلام بوده. یا بقولها کس: «که میرساند کتاب مقدس تحریف شده است». آیا تصور میشود چنین کتابی آنهم بر روی و در سرزمین علمی و اسلامی اندلس آنروز که مواجه با مسیحیت بوده نوشته شود و سپس بزبانهای مانند ایتالیائی و اسپانیائی ترجمه گردد آنگاه نه نسخه‌ای از آن بدست مسلمانان رسد و نه نام و نشانی از آن در کتب اسلامی یافت شود؟ با آنکه اگر چنین کتابی بدست مسلمانان رسیده بود نسخه‌ها از آن برداشته میشد و به رسو منتشر میگردد و در کتب اسلامی بمطالب و نوشته‌های آن استشهاد میگردد. دکتر سعادت هم از اینکه اثر و نامی از این انجیل در میان مسلمانان نبوده اظهار تحیر مینماید.

جالب‌ترین دلیل کسانی که ماخذ این کتاب را منابع اسلامی میدانند

انتطابق معنی مطالب آن بر قرآن و احادیث اسلامی است.

این دلیل چنین مدعائی را اثبات نمی‌نماید زیرا اولاً در همه کتب دینی بخصوص تورات و انجیل و قرآن اصول و مطالب مشترك بسیار است که مورد اتفاق همه یا بیشتر پیروان این ادیان است.

ثانیاً بهمان قدر که انتطابق بعضی مطالب این کتاب دلیل بر اتخاذ و نقل است مطالب بسیاری در این کتاب آمده که مخالف با نصوص قرآن و مسائل مسلم اسلامی است.

ثالثاً در همان قسمت مطالب متفق و منطبق، تغییرات و ترتیب ذکر قضا یا بسیار متفاوت است مثلاً همان داستان ابراهیم و گفتگوی او را با پدرش و همچنین داستان رانده شدن شیطان در اثر سرپیچی از سجده آدم را که نمونه‌ای برای این انتطابق و اتفاق آورده اند با دقت در مطالب و چگونگی تعبیراتی که راجع باین دو داستان در قرآن و این انجیل آمده است تفاوت و اختلاف بخوبی نمایان است. مطالب و تفصیلی که در باره داستان ابراهیم در فصول ۲۰ تا ۲۹ این کتاب آمده در آیات قرآن اشاره‌ای هم بآنها نیست. آنچه با قرآن مطابق است اصل مجازت ابراهیم با پدرش و شکستن بتها و بآتش افکنده شدن و تفکر او در ستارگان است: (آیاتی از سوره‌های انبیاء، انعام، ابراهیم، مریم). اگر راستی مؤلف این کتاب داستان ابراهیم را از قرآن گرفته باشد چرا حتی اشاره‌ای به بنه‌ای که بدست ابراهیم که در قرآن مکرر و با اهمیت خاصی ذکر شده نموده است؟!

راجع بخلقت آدم و رانده شدن شیطان در فصول ۳۵ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ این کتاب داستانهائی ذکر شده است که اثری از آنها در قرآن و احادیث اسلامی نمیتوان یافت و امر بسجده به گل آدم پیش از زمین حیات صریحاً مخالف با آیه «فاذاسویته و نفخت فیه من روحی فعهواله ساجدین» میباشد .

دکتر سعادت حکم و جواب خفته و نکوهش خفته نشدگانرا که در این کتاب آمده مؤید دیگری برای اینکه این انجیل در سرزمین اسلامی اندلس نوشته شده دانسته است ، و برای تأیید نظر خود میگوید : پس از زمانی که از تسلط مسلمانان بر این سرزمین گذشت فرمانی صادر شد که نصاری باید خفته شوند .

اولاً چنین فرمان و رفتاری اگر در تاریخ باشد باید آنرا از اتهامات نویسندگان متعصب مسیحی دانست چون چنین فرمانی برخلاف صریح احکام اسلامی است و با احترام و تعبدیکه مسلمانان به احکام اسلام داشتند چگونه چنین فرمان رسمی داده اند . در تاریخ اسلام اجباری به خفته کردن نومسلمانان هم نبوده چه رسد به غیر مسلمانان .

ثانیاً با آن آزادی مشهوریکه مسلمانان به پیران مذاهب دیگر در همه جا میدادند اینگونه رفتار بسیار بعید است .

ثالثاً دکتر سعادت به این واقعیت توجه نداشته یا نخواستہ توجه کند که حکم ختنه از احکام لازم تورات و عهد خداوند با ابراهیم و ذریه او بوده و بحکم تورات جز در هنگام عذور بودن باید اجراء شود (پید ۱۷ لا ۱۲ و ۵) از اینجهت پس از مسیح در میان رسولان و سران مسیحی در این باره اختلافات و کشمکشهای سختی در گرفت . آنها که به اصالت و بقاء شریعت تورات ایمان داشتند آنرا لازم میدانستند . پولس اولین کسی بود که با لزوم ختنه مخالفت کرد و انجمن اورشلیم مطابق نظر اورای داد (۴۱ - ۱۵) و بشارت غیر مختونین مخصوص او گردید (غلا - ۲) .

تا آنکه صریحاً به غلاطیان نوشت که : «اینک من پولس بشما میگویم که اگر مختون شوید مسیح برای شما هیچ نفع ندارد - غلا - ۵» .
دکتر سعادت برای اثبات اینکه این انجیل در قرون وسطی نوشته شده بنظر خود دلیل محکم دیگری ارائه میدهد :

۱ - در تاریخ است که یکی از والیان اموی در کشورهای شرقی به عمر بن عبدالعزیز نوشت که مردمی برای ندادن جزیه به مسلمان میشوند اجازه دهید تا ختنه شوند . خلیفه از این تقاضا و اورا سخت سرزنش کرد و نوشت «ان الله بعث محمداً (ص) خاتماً و ما بعثه خاتماً !» .

خلاصه آن دلیل این است: «در این انجیل سال یوبیل در هر صد سال آمده با آنکه یوبیل یهودی در هر پنجاه سال بوده و فقط پاپ کلیسای رومانی در سال ۱۳۰۰ آنرا به اول هر قرن بر گرداند» .

چنانکه دکتر سعادت گفته مطابق با تورات (لاویان ۲۵ و ۲۷ و اعداد ۲۶) جشن یوبیل مبیاست پس از انقضاء هفت سال انجام گیرد . در این جشن چنانکه از مضامین تورات برمی آید و ها کس بیان کرده همه اشخاص و قوم و خویش به حالت اصلی باید برگردند بندگان عبرانی آزاد نشوند و زمینها و املاک رهنی و وقف مسترد گردند و محصول و زراعت چیده نشود و کسی در معامله مغبون نگردد و همچنین... و مسلماً چنین جشنی با احکام آن آنهم برای یهود بسیار سنگین بوده است و چنانکه ها کس نقل میکنند گویا اصلاً بآن عمل نشده . و اگر هم عمل شده باشد از آغاز مرتب در هر پنجاه سال نبوده . بنا بر این گاه ترک و گاه تأخیر میشده . و گویا در انجیل برنا با در همان زمان ضمناً بتأخیر آن اعتراض شده است . و آنچه دکتر سعادت درباره تغییرات پی در پی زمان یوبیل بفرمان سران کنیسه آورده تعجب آور است زیرا حکم یوبیل مخصوص بقوم یهود است و سران کنائس مسیحی پولسی که احکام ساده تورات را سالها پشت سر گذارده بودند چگونه یوبیل را بیاد آوردند و آنرا زنده کردند؟!

در آخر شرح این دلیل دکتر سعادت خود بعید دانسته که نویسنده این انجیل با آنهمه اطلاع دچار چنین اشتباهی شود .

از نظر محققین بیطرف و مسیحیان باطرف ذکر و تصریح مکرر بیکه در این انجیل از نام محمد رسول الله (ص) آمده دلیل دیگری بر مجهول بودن و وابستگی آن به مسلمانان است .

در باره این دلیل ، مسئله بصورت دیگر مطرح میشود و سؤالی پیش می آید . اگر این مسئله بصورت آزاد بررسی شد و جواب آن دریافت گردید وضع این دلیل روشن میشود :

در قرآن با صراحت خبر میدهد که نام آنحضرت در تورات و انجیل ذکر شده است: «یجدونه مکتوباً عندهم فی التورات والانجیل - از آیه ۱۵۷ اعراف» و عیسی به آمدنش بشارت داده است: «و عبیراً برسول یأتی من بعدی اسمه احمد - از آیه ۶ ص» . صرف نظر از اینکه قرنهای خلیونها و میلونها مردم با اختلاف در افکار و اندیشه ، قرآن را کتاب وحی و حق دانسته و میدانند آیا میتوان باور کرد که آیاتی از این کتاب زیر گوش یهودیان مقصب یثرب و یمن و سیحیان نجران و بیت المقدس که از گزیدگان و دانایان یهود و نصارا بودند مطلبی را با این صراحت اعلام نماید که یکسره دروغ باشد؟ و اگر اینگونه تصریحات

قاطع قرآن دروغ بود آیا پیش از کشیده شدن شمشیرها و برافراشته شدن نیزه‌ها و جاری شدن خونها و از دست رفتن کشورها آسانتر نبود که با ارائه تورات و انجیل این دروغ را بر همه آشکارا مینمودند و آن نیر و ئیکه مسلمانان از قرآن گرفته بودند ناتوان میکردند؟ و بیقین اگر کلیساهای یهودی و مسیحی که بر قسمتی از جزیره العرب احاطه و در داخل آن نفوذ داشتند چنین اقدامی کرده بودند از همان وقت اعلام میشد و بصورت مهمترین حوادث در تاریخ اهل کتاب ثبت میکردید. ولی در آن زمان و پس از آن این بحث، مبهم یا مسکوت مانده است.

مورخین اسلام سبب هجرت اقوامی از یهود را بسرزمین حجاز و سکونت در دهکده گنم و بی نشان یثرب و سبقت مشرکین آن سرزمین را با اسلام همین- پیش بینیها و پیش گوئیها میدانند و آیه ۸۹ بقره ... و کانوا من قبل یسئفتجون علی الذین کفرو افلما جائهم ما عرفوا کفروا به... در باره امید و انتظار و سپس کفر اهل کتاب بآن است.

اگر این استدلال و اسناد تاریخی را بپذیریم ناچار یا باید بگوئیم اسناد اصلی عهدین در این باره پنهان شده یا از میان رفته یا آنچه در باره اینگونه بشارات است حذف یا تأویل یا تحریف شده یا مسکوت مانده است. چنانکه در آیاتی از قرآن اینگونه تحریف و تغییر گوشزد شده است: «من الذین هادوا یحرفون- الکلم عن مواضعه نساء: ۴۶ - مانده: ۱۴ و ۱۵»

۱- کسانی از محققین که متون اصلی کتب عهدین را یافته یا به عبارتی از آنها در کتب دیگر بر خورده اند گویند در ترجمه‌های کنونی این کتب تغییرات و تحریفاتی روی داده است؛ مثلاً در ترجمه فارسی این جمله که در باره اسماعیل است: «او مردی وحشی خواهد بود دست وی بصدور کس و دست هر کس بصد او پدید آید» در اصل باین مضمون بوده: «او در میان ملل با مهابت و دست او بالای هر دستی میباشد» و همچنین این عبارت: «و اما در خصوص اسماعیل ترا اجابت فرمودم اینک او را برکت داده بارور گردانم و او را بسیار کثیر گردانم - پدید آید» چنین بوده: «... او را برکت و امنیت داده بزرگش گردانم». و این عبارت: «برخیز و بسرا برداشته او را بدست بگیر زیرا که از او امتی عظیم بوجود خواهد آورد - پدید آید» ۱۸، ۲۱ بجای از او امتی عظیم «از او امری عظیم» بوده. و این غزل: «دهان او بسیار شیرین و تمام او مرغوبترین است این است محبوب من این است یار من - غزل سلیمان ۵: ۱۶» گویند مرغوبترین در اصل «مجمدیم» بوده که بمعنای پسندیده است. و این غزل، چهره خود را بمن بنما و آوازت را بمن بشنوان زیرا آوازت لذیذ و چهره ات خوشنما است - غزل ۲: ۱۴۱» گویند در اصل چهره ات «عرب» بوده. و این جمله: «و تمامی امتها را متزلزل خواهد ساخت و فضیلت جمیع

این اصول ایرادت و شبهات است که تا کنون راجع باین کتاب پیش آورده اند. دیگر شبهات و نتایج تحقیقات و جواب تشکیک‌های راجع باین کتاب را از دیگر مقدمه‌های ترجمه‌های عربی بفارسی باید یافت با همه آنچه از آغاز پیدایش این کتاب تا کنون گفته شده بحث درباره اصل و نسب آن را نباید خاتمه یافته دانست. اعتراض اصولی بر اکثر این محققین این است که نخست معمول بودن و ساخته شدن آنرا آنهم بدست فرد مسلمانی معجز دانسته آنگاه بجستجوی اوصاف و زمان و مکان آن پرداخته‌اند. با آنکه اینگونه بحث را نمیتوان بحث محققانه و آزاد دانست.

امتها خواهند آمد و بیهوده صابوت میگوید که اینخانه را از جلال پرخواهم ساخت حجی ۲، ۷ « در اصل عبرانی » فضیلت جمیع امتها « جملات امتها » بوده و این مزمور: « خوشا بحال آنانکه در خانه نو ساکنند که ترا دایماً تسبیح میخوانند سلاه . خوشا بحال مردمانیکه قوت ایشان در تو است . و طریقه‌های تو در دهان ایشان . چون از وادی بکاء عبور میکنند آنرا چشمه میسازند ... مزمور ۸۴ : ۴ ، ۵ ، ۶ ... »

گویند : « وادی بکاء » در اصل عبرانی « وادی بکه » بوده . جالبتر از اینها خیر است که در انجیل یوحنا « ۱۴ - ۱۶ : ۱۵ و ۲۶ و ۱۶ : ۷ » از زبان حضرت مسیح با آمدن شخصیکه پس از اومی آید و همیشه خواهد بود و شهادت به مسیح خواهد داد ، میدهد . در ترجمه فارسی این شخص بوصف « تسلی دهنده » ترجمه و معرفی شده در اصل عبرانی « پارقلیطا » بوده . گویند اصل یونانی آن که زبان اصلی انجیل یوحنا بوده « پریکلیطوس » است . که معنای آن بس ستوده یا گزیده میباشد که تعبیر مطابقی با معنای « محمد یا احمد » است .

بیش از تحریفات در معنا ، نمونه‌ای از حذف و تغییر را در این عبارت که راجع به اسماعیل است میتوان یافت : « دوازده رئیس از وی پدید آیند - پید ۱۷ : ۲۰ » در اصل عبری چنین است : « بسبب مژدمند (محمد؟) از او دوازده رئیس پدید آیند » .

در اینگونه پیشگوئیا گاهی نام و کلمه به اجمال واگذار شده ، « عسا از یهود دور نخواهد شد و نه فرمان فرمائی از میان پاهای وی یا تا شیلو بیاید - پید ۴۹ : ۱۰ » معلوم نیست که « شیلو » کیست و چه معنا دارد. بهر معنا که باشد کسیست که با آمدن او قدرت معنوی و نفوذ دین یهود پایان می‌یابد . هاکس آخرین معنای آنرا « دارنده عسا » آورده .

جیل « فاران » که در سفر تثنیه « ۲ : ۳۳ » آنرا و کتاب حبقوق ۳ : ۳ محل درخشندگی خداوند و ظهور قدوس وی نشان داده ، کجا است ؟ آیا نباید همان کوهی

چه بجاست که محققین مسیحی راجع به اناجیل و رسائل موجود که سند مسیحیت است همینگونه بحث و دقت نمایند تا شاید نویسندگان و زمان تدوین و زبان اصلی آنها از این صورت ابهام انگیز و تردید آمیز بیرون آید و باز اینگونه بحث را بیشتر به عقب ببرند تا معلوم شود که کتاب عهد عتیق پس از خرابی بیت المقدس بدست نبوکدنصر و اسارت طولانی یهود چگونه و بدست کی و در چه زمان و از روی چه نسخه تدوین یافته است ؟

باشد که بگفته « پیدایش ۲ ، ۲۱ » هاجر با فرزندش در صحرای آن ساکن شدند ؟ پیمبریکه در « تثنیه ۱۸ ، ۱۵ و ۱۸ » از آمدنش خبر میدهد که از میان برادران بنی اسرائیل برمیخیزد و مانند موسی است و باید از وی شنوا باشند و خداوند کلام خود را در دهان او میگذارد ، نباید از فرزندان اسماعیل برادر اسحاق باشد ؟

آن بنده دستگیر شده و گزیده ای که بگفته اشعیا (۱۱ و ۲۸ و ۴۲) : روح خداوند در او نهاده شود و خوشی او از ترس خداوند است و او برینا به قانون و عدل دهد و با عصای قدرت بر سر اشرار زند و حکم بالای حکم و قانون بالای قانون آورد و با زبان ناشناس با یهود تکلم نماید و خدا از او خوشنود و متین و آرام باشد . برامتها با نصاب حکم راند و ضعیفانرا پناه دهد نور امتهای و شکست ناپذیر است ، چشم کورانرا باز و اسیرانرا آزاد نماید و جلال و ستایش بپهارا براندازد ؟ کیست ؟ آن صحرا و قریه های اهل قیدار و ساکنان کوه سلح که آواز بر میدارند و ترنم مینمایند و در جزیره ها تسبیح میخوانند کجا و کی ها هستند ؟ این عبارت اشعیا « کیست که کر باشد مثل رسول من که میفرستم کیست که کور باشد مثل مسلم من - ۴۲ ، ۱۹ » چه معنا و مفهومی دارد ؟

مگر مطابق « پید ۲۵ ، ۱۳ » قیدار دومین فرزند اسماعیل نبود ؟ که عدنان و قریش از وی پدید آمدند .

آن شخص الهی قدرتمند که عدل و حق را با جهاد و شمشیر پایه گذاری نماید و طوائف سرکشرا تأدیب نماید ، « مزمور ۴۵ و ۷۲ و ۱۴۹ » و آن پسر انسان و ستاره صیح و صاحبخانه که در میان فتنه ها با عصا از شرق طالع شود ، « متی ۴۲ . مرقس ۱۳ . لوقا ۱۲ . مکاشفه یوحنا ۲ » کیست ؟ اینها نمونه های است از بشارات و اشارات تحریف یا تأویل گشته یا « کت مانده و تفسیر نشده عهدین که با تتبع محدود و در دسترس نبودن کتب موجود برای رساندن مقصود یادداشت گردید .

برای جویندگان دسترسی باین کتب و مآخذ آسان است ، انیس الاعلام تألیف فخر الاسلام ، کتب علامه شیعه مرحوم شیخ جواد بلاغی . اظهار الحق تألیف شیخ رحمت الله هندی ، ردالیهود از مرحوم میرزا محمد رضا جدید الاسلام .

محققین مسیحی از ابن رو بجهت های خود را بر مبنای معمول بودن این انجیل دنبال کرده اند که نتوانسته یا نخواسته اند فکر خود را از ساطع مسیحیت کنونی آزاد گردانند. مسیحیت کنونی هم باید این انجیل را سراسر معمول بدانند زیرا اساس آن بر اصول تعلیمات پولسی پایه گذاری شده و گسترش یافته است پس اگر اندک تردیدی در آن روادارند مسیحیت با همه شعب آن منزل میگردد.

شخصیت پولس پیش از آنکه عهده دار رسالت شود چندان روشن نیست . فشرده آنچه از ماخذ مسیحیت معلوم میشود این است که گویا در سال ۱۰ میلادی در شهر طرسوس از پدر و مادر یهودی الاصل متولد شده و نامش شائول بوده است (۲۲ع۱ : ۳) و چون بسن رشد رسید و آئین یهود را با پیشرفت مسیحیت در خطر دید سخت به تعقیب و آزار مسیحیان پرداخت (۱ع۱ : ۱ تا ۳) . همینکه شنید مسیحیت در دمشق پیش میرود برای مبارزه با آنها نامه ای از روحانی بزرگ یهود در اورشلیم گرفت و روانه دمشق شد (۹ع۱ : ۱ و ۲) . همانکه در تخیم مسیحیان نامیده میشد و برای آزار آنها کوچ کرده بود پس از ورود به دمشق مدعی شد که مسیح در بین راه برای وی کشف شده و مأمور تعلیمش نموده است (۹ع۱ : ۱ تا ۱۹) و از آنجا به اورشلیم برگشت (گویا در سال ۳۳ م بود) در اورشلیم خود را به پطرس معرفی کرد (غلا ۱ : ۱۸ و ۱۹) ولی مسیحیان به دعای وی اطمینان نیافتند و آنرا کبیدی برای خود دانستند تا آنکه بر نابا صدق و خلوص او را تصدیق کرد (۹ع۱ : ۲۶ تا ۳۰)

پولس مردی زبان آور و نویسنده بود و بدلیل رسالتی که نوشته زبانهای معمول عبرانی و رومانی و یونانی را میدانست و بمتیده بعضی از محققین (مانند ویل دورانت در تاریخ تمدن) متأثر از فلسفه اشراق و افکار و عقاید یونانیان بود، بیش از این خصائص، مردی بی باک و جدی بود . سردی با این خصائص برای پیروان و شاگردان مسیح که محدود و محاط به دشمنان بودند موهبتی بشمار می آمد. او چون به اوضاع و احوال سرزمینهای غرب آشنا بود تبشیرات خود را در میان اقوام آن سرزمین ها بخصوص مزدوران و بینوایان متوجه نمود و با

→ مرحوم میرزا محمد رضا از علمای بزرگ یهود بود که در اثر اطلاعات وسیع و مدارک از دسترس خارج شده و باروشن ضمیری باسلام گرائید و گروهی از کسان وی نیز مسلمان شدند . قبرش اکنون در مسجد مظفری جنوب طهران است در لوح قبرش اشعاری باین مضمون منقوش است :

از عرصه عدم بوجود آشنا شدم
در مذهب کلیم دیدم محمد است رسول محمد رضا شدم .
رحمة الله علیه

مسافرتهای پی‌درپی توانست در مراکز بزرگ و شهرها انجمن‌ها و کلیساهایی بر اساس محبت و برادری و امید نجات تشکیل دهد. تعلیمات او که منشأش کشف و شهود شخصی و افکار و عقاید عرفان و اشراق و سازگار با احوال اجتماعی و اندیشه‌های آن اقوام بود، سرعت مورد استقبال غیر یهود واقع شد و بتدریج از حدود شریعت تورات خارج گردید. تا آنجا که همان رسولان و مسیحیان نخستین که پولس را موهبتی برای نجات مسیحیان و پیشرفت مسیحیت میدانستند اول در باره او دچار شك و تردید گشتند سپس به مخالفت با او برخاستند زیرا آنها مطابق تعالیم مسیح که از نزدیک به آن آشنا بودند عقیده داشتند که او نیامده بود تا باطل کننده تورات باشد بلکه تا آنرا کامل نماید (متی ۵: ۱۷ تا ۲۰ - لوقا ۱۶: ۱۷).

بهمین جهت شاگردان مسیح که بطرس و برنابا گزیده آنها بودند شریعت تورات را اصل و مسیحیت را فرع آن میدانستند.

بگفته‌ها کس: «پولس یکی از آنها بود که از این کوتاه نظری صرف نظر نمود.»

و در برابر همه مخالفتها که بسراسر انجمن‌های مسیحی سرایت کرده بود سخت ایستادگی میکرد و بهر جا میتواند خود میرفت و اگر نمیتوانست نامه مینوشت از یکسو جاذبیت شخص پولس و تعالیم او نبودن جاذبیت در آئین یهود که آئین قومی بود، و از سوی دیگر تشکیلات فعال انجمن‌های مسیحیان غیر یهودی و جمع آوری اعانات و کمک به بینوایان و انجمن مسیحیان اورشلیم، نفوذ پولس را پیوسته بیشتر مینمود تا آنجا که مطابق نظر پولس و برخلاف نصوص تورات انجمن اورشلیم به الغاء ختمه از مسیحیان غیر یهودی رأی داد (ع ۱-۱۵) و پولس بشارت غیر مختونین را مخصوص خود گرداند (غلا ۲: ۷ و ۸). با همه اینها چون اختلاف و تضاد ریشه دار بود مخالفتها و تبلیغات مخالفین پولس پایان نمی‌یافت و در هر فرصتی در انجمن‌ها گروهی علیه او قیام میکردند چنانکه این مخالفتها در رساله‌های او بخصوص رساله اول و دوم فریسیان و اغلاطیان و تسالونیکیان و فیلیپیان آشکاراست. در رساله فیلیپیان آنها را به بینوائی خود میخواند (فیلیپیان ۳: ۱۷). در رساله به غلاطیان جز این انجیل خود را که بطریق الهام در یافته مظرود مینماید و تعجب میکند که آنها بزودی بانجیل دیگر گرائیده‌اند و بهر کس که میخواهد انجیل دیگر بآنها رساند نفرین مینماید و سوابق خود را شرح میدهد تا آنجا که معتقد است پیش از ولادت و در شکم مادر گزیده خدا بوده و پسر خدا در او آشکار شده. و در رساله تسالونیکیان آنها را از اینکه وعده‌های نجات آشکار نشده بصبر دعوت مینماید. در روح صحیح

بالاخره خصائص نفسانی پولس و پشتکار او تعالیمش را در سرزمینهای دور از مرکز اصلی مسیحیت نفوذ داد و دیگر رسولان و نخستین شاگردان مسیح که تا ساعات آخر با او بودند یکی پس از دیگری یارخت از دنیا بر بستند و یا برکنار شدند. پطرس که از نزدیکترین حواریان بود چون با پولس مخالفت مینمود مستوجب ملامت او گردید. و برنا با، آن حواری گزیده دیگر که به معرفی او پولس شناخته شد و به اقوال و نظر او در مسواری استناد میکرد به نفاق متهم گردید (غلاطیان ۲: ۱۱ و ۱۲ و ۱۳).

برنا با چنانکه معلوم است در ساهای نخست که مسیحیان سخت در فشار و بی سامانی بودند برای پیشرفت مسیحیت و نجات مسیحیان با پولس همکاری نزدیک داشت و از بروز اختلاف تا میتوانست جلوگیری میکرد چنانکه از اختلافی که در باره حکم ختنه پیش آمد و نزدیک بود که نومسیحیان از هم جدا شوند جلوگیری کرد (ع: ۱۱ و ۱۲). برنا با از رسول و سرپرست کلیسای انطاکیه بود، و پولس را به آن کلیسا معرفی نمود و ثروت خود را در راه کلیسا بذل کرد (ع: ۴ و ۱۳). و پولس مدعی بود که انجیل خود را به برنا با و تیطس عرضه داشته (غلاطیان ۲: ۳ و ۱).

مرقس - که انجیل او بعقیده مأخذ مسیحیت نخستین و کاملترین انجیل کنونی است و انجیل متی و لوقا از آن اقتباس شده: (کلید عهد جدید ص ۲۲) - خویش و شاگرد برنا با بوده: (قاموس کتاب مقدس - مرقس).
و پولس مرقس را بعنوان عموزاده برنا با به کولسیان معرفی کرده تا او را پذیرند: (کولسیان ۴).

از مجموع مأخذ مسیحیت چنین برمی آید که با همه همکاری و همقدمی که برنا با با پولس داشت در اواخر برنا با مانند دیگر حواریان از جهت اختلاف در اصول تعالیم از هم جدا شدند. آخرین اختلاف و جدائی آنها در اواخر باب ۱۵ اعمال رسولان چنین منعکس شده: که چون برنا با میخواست مرقس را همراه ببرد و پولس شخص دیگری را: و پس نزاعی سخت شد بحدی که از یکدیگر جدا شده برنا با مرقس را برداشته بقبرس از راه دریافت ۳۹.

بگفته فلویید فیلسون در ص ۸۵ کلید عهد جدید: «کسیکه با سمت اولین هیئت بشارتی از انطاکیه مسافرت کرده برنا با بودند پولس. پولس در دوران ما موریت البته پیش افتاد ولی هنگامیکه با تفاق بمنظور دفاع از پذیرفتن غیر یهودیان بکلیسا با اورشلیم رفتند رهبری و پیشوائی برنا با محول گردید. پس از آنکه زمانی دیگر دگری از برنا با دیده نمیشود و بقیه سرنوشت وی مجهول است». این اسناد و شواهد آشکارا میرساند که برنا با که از رسولان و پیشقدمان در

نشر مسیحیت بوده خودش پیش از انجیلش مجهول گردیده و در تواریخ و رسائل مسیحیت نامش از دیگر حواریان کمتر ذکر شده ، آنها با اختصار و سردی و ضمنی !! تا آنجا که مسترها کس بر خلاف شواهد و اسنادیکه دلالت بر اولین حواری بودن بر ناپا دارد میگوید :

« بر ناپا لای قبری بود که در زمان رسولان بدین ، مسیح متدین شد . »
ولی پولس که رسالت خود را از طریق مکاشفه اعلام نمود و مدعی انجیل خاصی بود که از آن نشان و اثری نیست ، پس از مسیح نام و تعالیمش عالمگیر شد و معرف مسیحیت و پایه گذار کلیسای کنونی گردید .

آنچه از پولس در دسترس است همین نامهها و رسائل ضمیمه اناجیل میباشد. قسمتی از این رسائل مشتمل است بر تعارفات ، تعریفات ، انتقادات ، رد اتهامات ، جلب اعتماد ، رد کسانیکه در تعلیم مسیحیان دخالت مینمایند و حمله به آنها و بیان سوابق خود و چگونگی کشف مسیح و تعالیمش برای او و ادعای اصالت انجیل خود و دعوت بوحدت رهبری و پیشوائی خود، دعوت به صبر و محبت با یکدیگر ، وفاداری و قدردانی از کسانیکه از تعالیم او پیروی میکنند و دستور تنظیم انجمنها و کلیساها و مجمع اعانات و پاکی دل و تسلیم روح خداوند شدن و وعده نجات و پیروزی و بازگشت مسیح و مشمول عفو خداوند . قسمت دیگر بیاناتی راجع به کافی نبودن شریعت و قوانین برای نجات ، لزوم تسلیم شدن با مسیح و روح خدا و آزاد شدن از قید قوانین و تشریفات است . این قسمت متضمن عدم لزوم ختنه و آزادی در معاشرت بابت پرستان و خوردن غذای آنها و دعوت و رجحان اعراض از ازدواج و امثال این مطالب است. قسمتی دیگر از این رسائل معرفی مسیح است : خدا در مسیح بود و جهان را با خود سازش میداد . همه چیز از مسیح است و ما از او هستیم ، خداوند در وجود عیسی در آمد و پسر باعث معرفی پدر گردید و تصویر کامل پدر است . در مسیح خدا بطر کامل حاضر است نه آنکه قسمتی از خداوند باشد . خدا کلیه هدف و مشیت خود را در مسیح متمرکز کرده و از همه پیمبران برتر و یگانه مرجع است . مردن و فدیة مسیح برای نجات دیگران بوده .

این خلاصه ای از مطالب و مضامین این رسالههاست - چنانکه معلوم است ، لحن و مضامین و مطالب آنها بر حسب اوضاع زمان و مکات و مخاطبین متغیر و مختلف گردیده . در رساله عبرانیان که گویا از رساله های آخر منسوب به پولس است از آغاز مسئله الوهیت مسیح عنوان و تکرار و تأکید شده است .
پس از نشر تعالیم پولس و رساله های او مطالب اناجیل کنونی بر طبق آن

تعالیم و مطالب این رسائل تدوین یافت و کلیسا بر مجموع این تعلیمات پایه گرفته است .

آنچه مسلم است این رسائل و اناجیل سالها پس از مسیح (ع) نوشته و تدوین شده است زیرا چنانکه در آغاز گفته شد : اول در میان یهود نوشتن کتابی جز عهد عتیق که در زمانهای قبل نوشته شده بود معمول نبود و ضبط مطالب فقط بوسیله حافظه بوده .

ثانیاً بیشتر پیروان اولی و معدود آنحضرت از طبقه پائین مردم بودند و بییقین عموم مردم بخصوص این طبقه قدرت نوشتن و خواندن نداشتند با این شواهد و دیگر شواهد تاریخی تدوین اناجیل سالها پس از مسیح بوده . باینصورت که نخست شاگردان و رسولان آنچه از تعالیم و تاریخ عیسی (ع) بلاواسطه یا بواسطه در ذهنهای خود ضبط کرده و بدیگران تعلیم میدادند پس از چندی آن تعالیم یاد داشته شده است و پس از آنکه مسیحیت گسترش یافت و اختلافات در گرفت این یادداشتها مدون و محبوب گردید. و گویا در همان اوایل قرن دوم انجیلها و رسائل متعددی از رسولان در کلیساها منتشر گردیده است .

بهر صورت جز در باره تعالیم مورد اتفاق شایعه‌های برای وحدت دیگر مطالب اناجیل در میان نبوده، و پس از نفوذ تعالیم پولس، شایعه همان تعالیم گردید ولی هنوز تعالیم و اناجیل مخالف با آن در بعضی کلیساها بوده و طرفدارانی داشت . پس از آنکه «کنسنتین» امپراطور روم در قرن چهارم به مسیحیت گرایید با قدرت اجرائی اور رسائل و اناجیل مسیحیت یکسره محدود به آنچه مطابق با تعالیم پولس بود گردید . سپس در اواخر قرن پنجم بفرمان پاپ «گلاسیوس اول» نشر و تعلیم هر رساله و نوشته‌ای از جمله رساله برنا با ، جز آنچه اکنون موجود است تحریم شد «منقول از دائرة المعارف انگلیسی» . ها کس انجیل یعقوب و نیقودیموس را از این اناجیل شمرده .

اگر این واقعت را در نظر داشته باشیم که در زمان قدیم معمولاً همه وقایع و حوادث تاریخی نخست دهن بدهن و زبان بزبان منتقل میشده تا آنکه بدست کسانیکه نوشتن میدانستند بصورت یادداشتهای نامنظم درآمده و پس از زمانی بصورت کتاب تنظیم و تبویب می شده است باید بپذیریم که اناجیل هم از این مراحل گذشته و بصورت کنونی درآمده و شواهد تاریخی هم چنانکه اشاره شد این مطلب را تأیید میکند .

بنا بر این راجع بانجیل برنا با اصرار به نفی اصل کلی آن یا اثبات آن چه همین سورت فعلی صحیح بنظر نمیرسد بلکه باید گفت این انجیل مانند همه

یا بیشتر کتب قدیم پس از سالها باین صورت مبوب و منظم در آمده است و پیش از آن مانند دیگر اناجیل بصورت رساله‌ای بوده چنانکه چنین رساله‌ایرا نویسندگان مسیحی یکسره انکار نکرده بلکه تأیید کرده‌اند: پطرس بستانی - در دائره المعارف بستانی - گوید: رساله برنا با در قسرون اول معروف بوده است. و کسانی را نام میبرد که این رساله را داشتند. آنگاه از نظرها پنهان شده و در اوائل قرن ۱۷ نسخه لاتینی آن یافت شد و نسخه‌هایی از روی آن منتشر گردید. و میگوید که همه این نسخه‌ها از اصل یونانی و دارای چهار فصل بوده است. آنگاه نسخه دیگری را در سال ۱۸۵۹ سراغ میدهد که ۲۱ فصل داشته. دکتر خلیل سعادت در مقدمه خود انجیلی را نشان میدهد «اگنستی» که در اثر پوسیدگی خطوط و مطالب آن، بخوبی تشخیص داده نمیشود ولی آغاز و خاتمه آن بدگویی از پولس است و احتمال دارد اصل همین انجیل باشد: «مقدمه همین کتاب».

مسترها کس در کتاب قاموس چنین رساله منسوب به برنا بارا در سال ۷۰ نشان میدهد آنگاه نسبت آنرا به برنا با انکار میکنند.

گذشته از این شواهد تاریخی اگر معنای اولی انجیل تعالیم و مسائلی بوده که شاگردان مسیح بلا واسطه یا بواسطه یا به عقیده پولس از طریق کشف و الهام از مسیح گرفته‌اند بیقین برنا با که از سابقین ایمان به مسیح و ناشرین تعالیم او بوده و مقام خاصی در میان مسیحیان نخستین داشته دارای انجیل باین معنا بوده. گرچه انجیل او مانند دیگر اناجیل پس از زمانی نوشته و تدوین گشته و اگر در طی این مراحل و ترجمه‌ها تغییراتی در آن رخ داده باشد بیقین اصول آن بجای مانده است بخصوص که مطالب و مسائلی که در این انجیل آمده دارای لحن و تعبیرات خاص و متمم حقایق از حکمت و تربیت و هدفهای عالی انسانی و روشها و استدلالهای فطری و دلنشین و استنتاجهای روشنی است و بخوبی معلوم است که از روحی سراسر ایمان و اخلاص و محبت جوشیده است. چنانکه دکتر سعادت با همه بحثها و تشکیکهای خود در آخر مقدمه اش باین حقیقت اعتراف دارد. این خصائص و امتیازات برای کسانی که دارای ذوق و شعور خاصی هستند بهترین دلیل بر صدق و ایمان گوینده و نویسنده است و از این طریق میباید کتب وحی و فروع آنرا شناخت. و جز این نه این انجیل و نه اناجیل دیگر و کتب پیمبران گذشته سند قطعی و یقین آور ندارد. کتب عهدین با آنکه متمم تربیت‌های عالی و انسانی میباشد چون مطالبی مخالف با عقل فطری و استدلالی و روش عمومی پیمبران در آنها رخنه نموده اعتبار آنها را سست کرده. نامفهومتر و

بن پایه تر از همه مطالب همین است که يك انسان در معرض حوادث و حوادث و مصائب هر چند عالی قدر باشد خدا و منشأ آفرینش و دارای اختیارات تام در تدبیر یگانه فرزند خدا معرفی شود .

از نظر ما مسلمانان محکمترین سند پیمبران گذشته و کتابهای منسوب به آنها قرآن است که از جهت تواتر تاریخی سند و اعجاز خدشه بردار نیست . از این جهت آنچه قرآن تصدیق کرده باید پذیرفت در واقع اگر قرآن نبود داستان وحی و نبوت و کتب گذشتگان تکیه گاه محکم دینی و تاریخی نداشت .

آنچه گفته شد دلایلیها و طرقی است که از مجموع آنها بخوبی میتوان به اصالت اصل انجیل بر نابا و تعالیم و مطالبی که در فصول آن آمده پی برد والله اعلم .

نام انجیل بر نابا بیش از چهل سال گذشته که دوران طفولیت را گذرانده و وارد سنین جوانی شده بودم بگو شم میرسید . در آن زمان تمدن غرب و تجدید مآبی با سیر طبیعی و جبری در ایران نفوذ مینمود و همراه آداب و افکار جدید و شبهات و تبلیغات ضد اسلامی در اذهان جوانها راه می یافت و محافل و مجامعی از مذاهب و مکاتب مختلف تأسیس میشد . جمعی از علمای اسلامی و رجال دولتی و تجار متدین و سرشناس که خطر تزلزل ایمانی و اخلاقی نوجوانان را در برابر سیل تبلیغات گوناگون از نزدیک میدیدند و مجالس و عظ و سخنرانی های معمولی را کافی نمیدانستند ب فکر تشکیل مجالس آزاد بحث و مناظره بر آمدند و اداره سرپرستی این مجالس را بعهده مرحوم پدرم (آیه الله حاج سید ابوالحسن طالقانی) واگذار کردند و با موافقت رئیس حکومت وقت از مبلغین و مؤسین مذاهب و آراء مختلف برای بحث و گفتگو دعوت نمودند . یکی از کارهای این جمعیت بدست آوردن کتب و نشریات ادیان و مذاهب بود . از کتا بهائیکه بهر وسیله ای بود میخواستند بدست آورند ترجمه عربی انجیل بر نابا بود زیرا با آنکه از زمان انتشار آن بیش از بیست سال نگذشته بود نسخه ای از آن در کتا بها نها یافت نمیشد تا آنکه نسخه ای از آنرا از کتا بخانه خصوصی یکی از مراجع ساکن عراق (گویا مرحوم آیت الله صدر) بدست آوردند . این نسخه برای مرگم پدرم چون گوهر گرانبهائی بود که همیشه آنرا محفوظ میداشت و در سفر و حضر با خود همراه داشت و در مجالس و مجامع ، قسمتهائی از آنرا برای اهل فضل و مؤمنین میخواند و پیوسته ب فکر این بود تا بهر وسیله ای که باشد بفارسی ترجمه

۱ - این اوصاف خدائی در تعلیمات پولس هر چه پیشرفته پر رنگ تر شده و همچنین در انجیل یوحنا که گویا پس از انجیل دیگر است .

«منشر گردد و خود فصول قسمت اول کتاب را ترجمه نمود. ولی ناامیلات و گرفتاریها آن عالم غیور را از اتمام آن بازداشت تا آنکه به همت علامه ارجمند مرحوم سردار کابلی اولین ترجمه آن به اتمام رسید و منتشر گردید ولی ترجمه فارسی این کتاب هم مانند ترجمه انگلیسی و عربی آن بزودی کمیاب شد.

بهر جهت بسیار مناسب بود که این کتاب بسبب دیگر ترجمه شود ولی فرصتی برای این کار پیش نمی آمد تا آنکه پس از گذشت شانزده سال و حوادث روزگار مجالی برای تجدید نظر و مطالعه آن پیش آمد و در واقع آیات و مواعظ و داستانهای این کتاب وسیله ای برای انصراف و تسلی خاطر بود. پس از چندین از فاضل ارجمند سید محمد مهدی جعفری درخواست شد که آنرا بفارسی روان و مطابق ترجمه نماید و پس از هجرت ایشان این زحمت بعهده فاضل گرامی آقای فهیم محمول شد و با همت والای ایشان و نظارت این خادم مهجور ترجمه آن با دقت پایان رسید. کثر الله اجرهما و شکر الله سعیهما

سید محمود طالقانی

کتابخانه آنلاین «طاقانی و زمانه»